

و

اظهار نظرها

قاجار و باوجود بیماری آن پادشاه و ضعف دولت وقت و خالی بودن خزانه کشور معینا دولت ۶ ناوچه از کشور هلند خریداری و ضمنا مدرسه ای بنام بهادریه قرار بوده برای تعلیم افراد نیروی دریائی در بندر بوشهر تأسیس شود.

۳- در شماره ۲۰ مجله خاطرات صفحه ۷۷ که جناب آقای مدرسین داستان هائی از مرحوم آقا شیخ هادی نجم آبادی مرقوم میفرمایند در ابتدای صفحه و جای

جناب آقای دکتر وحیدنیا
مدیر محترم مجله خاطرات
۱- در تائید نوشتهی جناب آقای

سروی در شماره ۲۰ مجله خاطرات در مورد قوای انتظامی خلیج فارس زحمت میدهد از دیر زمانی حفظ امنیت منطقه خلیج فارس همیشه مورد توجه دولت شاهنشاهی ایران بوده چنانچه بنا بر نوشته روزنامه ملانصرالدین در شماره ۱۶ سال ۱۳۲۴ قمری (۱۲۸۵ شمسی) که از روزنامه های معروف آن زمان بوده و بزبان ترکی در قفقاز منتشر میشده در اواخر سلطنت مظفر الدین شاه

بعد از عتاب و خطاب می گوید خرجی زنت را نمیدهی چرا پایش را شکسته ای؟ اطرافیان از این سؤال به خنده می افتند و به فراست و کیاست !! خان حاکم آفرین میگویند !!

علی اکبر قمی زاده - سبزواری

۵۲/۳/۲۰

جیب آقای وحیدنیا

مدیر محترم مجله خاطرات

در شماره ۲۰ مجله ، در نامه سرهنگ بازنشسته بایبوردی در پاسخ به آقای نصرت الله فتحی اشاره ای بود بمکاتبه منظوم قاضی فتاح و میرزا علی اصغر خان اتابک توضیحاً باید عرض شود: در نسخه ای که نزد اینجانب است بجای بیت دوم جواب میرزا علی اصغر خان اتابک این بیت دیده میشود (اعنی در جواب بیت دوم به قاضی فتاح)

حدیث یوسف و یعقوب کم کن
(خوانده نمیشود) تو جادوگر منم موسی و زنجیر است ثعبانم و نیز بیت سوم جوابیه نزد اینجانب چنین است :
حدیث اگر موالضیفم همی خوانی نمیدانی
بنظر میرسد درست تر باشد تا
حدیث اگر موالضیفی همی خواندی ندانستی!
و ایضاً در بیت چهارم جوابیه

اخشوا صحیح است با (س) نه با (ص)

با تقدیم احترام

دکتر محمد علی نجفی

دیگر نام مرحوم میرزا علی اصغر خان اتابک نوشته شده ولی بعداً مخاطب مرحوم آقا شیخ حسن سنگلجی و کسی که در مجلس بوده شاهزاده عین الدوله نوشته شده چون این دونفر هر دو در زمان مظفرالدین شاه صدراعظم بوده اند معلوم نمی شود کدام یک از این دونفر در آنشب در آن مجلس حضور داشته اند. *

با تجدید ارادت - سیف الدین اردلان

جناب آقای وحیدنیا

مجله خاطرات شمارا اخیراً مشترک شده و از خواندن آن لذت میبرم.

برای آنکه بنده هم جزء خاطره نویس ها باشم این خاطره کوتاه را که خالی از لطافت هم نیست میفرستم تا در صورت تمایل در مجله خودتان درج فرمائید خیلی متشکرم .

در زمان احمد شاه قاجار در سبزواری حکمرانی بود پیرمرد خیلی مقدس و کم عقل زنی از دست شوهرش باو شکایت کرد که این کمینه پاشکسته (زنهای سابق را پاشکسته می گفتند) شوهرم خرج نفقه ام را نمیدهد و در زحمت هستم استدعا دارم امر به احضار او بفرمائید که مخارج مرا بدهد. از جانب حاکم مأموری میرود و شوهرش را بحکومتی حاضر می نماید حاکم

* مخاطب میرزا علی اصغر خان اتابک بوده است نه عین الدوله و این يك اشتباه چاپی بوده که بدینوسیله اصلاح میشود .



در کتابی خواندم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله ، سر روی دامن پسر عمش علی علیه السلام گذاشته و خوابش برده بود ، وقت نماز فرارسید امیر المؤمنین علی ، دید اگر پیغمبر را بیدار کند عمل مکروهی انجام داده و اگر بیدار نکند نماز پیغمبر اسلام بوقت ادا نشده ، دست مبارک را از آستین بیرون آورد و آفتاب را در آسمان نگاه - داشت تا پیغمبر بیدار شد و نمازش را بموقع خواند ، میرزای جلوه که مرد حکیمی بود گفت آخوند اینکار محال است آنمرد گفت ، چه طور اینکار برای شیخ پیغمبر شد و برای خاتم النبیین نمیشود ، حکیم خندید و گفت مگر من افسانه شیخ را قبول کردم که آنرا برخ من میکشید بنظر من

سخنی چند با خوانندگان خاطرات

مطالبی که نگارنده این سطور درباره گذشته ها نگاشتم و بجزله خاطرات وحید زیر عنوان خاطرات آنرا انتشار داده ام موجب گفتگوها و کله مندی هائی شد که ناگزیر باید پیرامون آن ها توضیحاتی داده شود ، نخست گروهی گوشزد کردند که با این نوشته ها فراموش شدگان را بخاطر می آورید و برخی گفتند که مفهوم مخالف انتقاد از متصدیان پیشین ، ستایش آنهائی است که اکنون سر رشته کارها را در دست دارند و میدان دار معرکه هستند . این استدلال شبیه استدلالی است که طلبه ای نزد میرزا ابوالحسن جلوه گفت امروز

باید خوب بود گذشتگان را سنجید و گفت تا عبرتی و تجربه ای برای حال و آینده گان باشد و همه بدافند (که گیتی بهر خوب و زشت مردم دقتی دارد) من پیش از آنکه این خاطرات را بنویسم می دانستم که از هر که انتقادی شود در مقام انتقام برمیخیزد و اگر خود زنده نباشد باز - مانند گانش یا آنانکه از خوان نعمتش بهره - ور شده اند بدافند و مجادله برمیخیزند و شاید روی همین اصل است که خاطره نویس های معاصر ما ، بیشتر شهودشان اموات است (مخصوصا اموات بلاعقب) تا هر چه می نویسند معارض نداشته باشند من بر آن بودم پاسخ اشخاصی را که خرده گیری کرده اند و یا اعتراضی دارند در پایان مقالات بنویسم ولی از آنجا که گفته اند به زندگانی آدمی اعتمادی نیست و بقول مولوی (فنا را سبب بی منتهاست) و ممکن است که پیش آمدی کند که نتوانیم بهم رسید اکنون یادآوری می کنم :

۱- آنچه دوست صدیق آقای دکتر شروین درباره حسن عمل خودشان نوشته اند مورد قبول همگان است و حسن سابقه و سواد دانش و نیکنامی و وضع مالی خود ایشان برهان قاطع و حجتی گویاست (نافع گفتا حجت گویا ، دم بویای من) ولی آنچه من درباره تفسیرط اموال وقف

نوشته ام نیز منکر ندارد و متأسفانه ما با اوقاف کشور کاری کرده ایم و میکنیم که ، مسلمان نشنود کافر نه بیند :

و اما ذکر دوست گرامی آقای دکتر حمید کفائی در آن قسمت که نام شیخ حامی نوشته شده بود اشتباه بوده و نام آنکه انبار برای نفت ملی شده آماده کرده بود شیخ محمد رضا کلباسی است ولی عبارتی که مرحوم آیت الله کفائی فرمودند همگان رادعا کردند بود البته آیت الله فقید اعلی الله مقامه مبارزاتی کردند که من برای العین دیدم و بنوبت خود بتفصیل از آن ها یاد خواهم کرد.

درباره توضیحاتی که جناب دکتر آذر دادند و در مجله پردازش خواندنیها نیز نقل شده بود و نوشته بودند چرا من نوشته ام رزم آرا عتاب کرد و علیرغم آن عتاب در دولت مصدق وزیر شدند. ناگزیرم توضیح بیشتری بدهم اولاً بنا بنوشته خودشان رزم آرا گذشته از عتاب (عذاب) کرده اند و یک شخصیت علمی و ادبی را متهم به قتل و بازداشت نموده اند و کلمه عتاب خیلی کوچک تر از عملی است که بایشان روا داشته اند ، ثانیاً اینکه از کلمه علی رغم رنجیده اند و وزارت را مربوط بدانند و شاخصیت خود دانسته اند با اذعان باینکه دکتر آذر پزشکی حادث و ادیبی ماهر است و از نوشته های ایشان و همچنین گفتار

دانشمندی چون حسن نبوی و محیط طباطبائی و دکتر احمد امامی من استنباط کرده ام که از شخصیت های علمی و ادبی ممتاز زمان ماست نمی توان تشریف و وزارت را بر قامت ایشان فقط مولود و مبلول دانش و بزرگواری ایشان دانست و از خود ایشان انصاف می طلبیم که از زمان بوذرجمهر تا زمان ما اگر در تاریخ ایران وزیرئی سراغ دارند که فقط در اثر دانش و درستکاری، جبهه وزارت پوشیده است بمن نشان دهند: این شما و این تاریخ وزرای ایران و اسلام که بقول شیخ عطار از آن بوی خون می آید

و کسب دیوانم جنون آید همی

کز وزارت بوی خون آید همی،
البته در تاریخ و زاده ایران
و اسلام دانشمندان و بزرگواری داشته ایم
ولی هیچ یک از آنها به تنهایی بواسطه دانش و

بزرگواری برمسند وزارت تکیه نکرده اند
و هر کدام را عوامل دیگری بروی کار آورده
و یابزمین زده است، حتی در زمان نزدیک
بخودمان قائم مقام فراهانی و میرزا تقی
خان امیر کبیر را که در عظمه مقام علمی و
سیاسی آنان تردیدی نیست، تمایل روس
ها روی کار آورد و تطاول انگلیس ها بچاک
و خون کشید.

من تصور می کنم دوستی آقای دکتر
آذر با آقای دکتر محمد علی ملکی و آقای
دکتر غلامحسین مصدق و همچنین تیرباران
شدن برادرشان و توجهی که دست چپها،
بایشان داشتند در آن ایام بی اثر در کار
وزارتشان نبوده است ولی این تصور من نباید
باین تعبیر شود که ایشان چپ گرا
بوده اند یا صلاحیت علمی برای این مقام
نداشته اند.

عبدالرحمن پارسا - تویسرکانی

یادآوری: شماره ۲۱ و ۲۲ مجله که مربوط به ماههای تیر و مرداد
میشود یکجا و باصفحات بیشتر و مطالب متنوع تر عرضه بازار دانش میشود.
بنابر این شماره ۲۳ خاطرات ۱۵ شهریور ماه منتشر خواهد شد و ما در این
مفاهم مجال و فرصتی بدست خواهد آمد تا مطالبی جالبتر تهیه و تقدیم علاقمندان کنیم.
ضمناً اذعان داریم نشریه خاطرات با همه توجه و اقبالی که نسبت بآن
شده و میشود هنوز هم نواقصی دارد. از جمله غلطهای چاپی در آن فراوانست
و بعضی مطالب هم خوب تنظیم و آماده نشده و محتاج بررسی بیشتری است.
لیکن از نظر آنکه همه علاقمندان و کلیه کسانی که در جریان حوادث
ایام خاطراتی در خاطر و ضمیر خود دارند بتوانند یاداشتهای خود را تنظیم و
برای ما بفرستند لذا به نقل خاطرات ارسالی مبادرت میکنیم و از کلیه ارباب
علم و اطلاع در این راه یاری و مدد می طلبیم.